

لوح فشرده شعرخوانی

«صدوقی سها» منتشر شد

مجموعه ۱۰ لوح فشرده با عنوان «درای کاروان» که حاوی صوت شعر خوانی ۱۰ استاد و شاعر برجسته کشور است، به همت «مهدی امین فروغی» منتشر شد. سید علی موسوی گرمارودی، محمدعلی مجاهدی (پروانه)، منوچهر صدوقی سها، یوسفعلی میر شکاک، جواد محقق از جمله استادیی هستند که در این مجموعه به خوانش آثار خود پرداخته‌اند. لوح چهارم از این مجموعه به شعرخوانی «صدوقی سها» اختصاص دارد.



سیدمهدی نامینی، قری دیاع
پژوهشگری فلسفه



فلسفه و سینما

هایدگر در دوره میانی تفکرش به موضوعاتی به ظاهر متفرق اما در باطن متحدبا پرسش اصلی سلوک فکری خویش می‌پرداخت. یکی از این پرسش‌ها، پرسش از تکنیک یا ذات تکنولوژی است که بهتر از هر جا در رساله «پرسشی درباب تکنولوژی» نگاشته و منتشر شده و به فارسی نیز ترجمه شده است. هایدگر در این رساله ابتدا سعی می‌کند نشان دهد تکنولوژی همان تخته یونانی نیست که به «پیش‌روآوری متعارف» انسان مربوط باشد بلکه در واقع، تکنولوژی آن نوع «پیش‌روآوری» است که زمین را - به مثابه ممکن همه امکانات غیبی انسان- مبدل به منبع می‌سازد. به تعبیر دیگر، تکنولوژی در نظر به ذات آن، دوگانه‌ای ایجاد می‌کند. وجهی از این نسبت دوگانه، آن جایی است که نگاهی که انسان به «طبیعت» یا به تعبیر هایدگر به «زمین» دارد به نگاهی «قاب‌بندی شده برای تصرف» مبدل می‌شود و وجه دیگر آنجاست که آنچه به‌او نگاه می‌کند، یعنی طبیعت و همه تجلیات آن، در چارچوب منبعی برای تعرض و تصرف معرفی می‌شود. از نظر هایدگر، این اتفاق، یک اتفاق تاریخی است و تصادفی نیست که ما امروز به انقیاد تکنولوژی درآمده‌ایم و چنانکه هایدگر در دهه ۴۰ پیش‌بینی می‌کند، خود نیز به منبعی همانند سایر چیزها مبدل خواهیم شد. هایدگر این اتفاق را فراتر از مجادلات سیاسی یا بایسته‌های اخلاقی می‌داند و معتقد است که ماجرایی که با تکنولوژی - و چنانکه قبلاً هم در رساله «عصر تصویری شدن جهان» گفته‌بود- با علم آغاز شده است، در واقع یک ماجرای تاریخی است مربوط به تفکر عصر جدید و البته با استعدادهایی داده‌شده از گذشته. بنابراین، از نظر هایدگر نمی‌توان جهان امروز را بدون تکنولوژی تصور کرد و تکنولوژی با هیچ اراده جزئی قابل حذف نیست. البته ممکن است تکنولوژی اصنافی را از دست‌دهد اما از آنجا که ذات آن، همان ذات تفکر غربی است، به شکل بنیادین از جهان حذف نمی‌شود. از نظر هایدگر می‌توان به فراخوان ذات تکنولوژی در نسبت با انسان، پاسخی غیر از پاسخ تفکر مدرن داد اما نمی‌توان به آن پاسخ داد. منظور هایدگر این است که کسی در جهان مدرن نمی‌تواند از تکنولوژی عزل نظر کند؛ مگر اینکه جهانی غیرمدرن بتوان در جایی از کره زمین تصور کرد. اما می‌توان با تفکر در ذات تکنولوژی به شکل دیگری به این فراخوان پاسخ داد. فعلا به همین مقدار از نظر هایدگر درباره تکنولوژی بسنده می‌کنیم و به سراغ



گفتارروز

سه‌شنبه گذشته مراسم بزرگداشت مرحوم داریوش شایگان با حضور کریم مجتهدی و محمدمنصور هاشمی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و به همت انجمن علمی این دانشگاه برگزار شد. در ادامه متن سخنرانی کریم مجتهدی، استاد بازنشسته دانشگاه تهران و عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی را از نظر می‌گذرانید.

۱۱۱

بسم... الرحمن الرحیم. خوشحالم که در حضور شما هستم. باتاسف و ملال آمده‌ بودم ولی چهره شادان دوست عزیزم داریوش شایگان را که در تالار ورودی دیدم حال دیگری پیدا کردم. البته شایگان را دوست عزیز خواندم اما ما سسی، چهل سال پیش با هم دوست بودیم و بعد از آن تاریخ، به یک معنا یکدیگر را گم کردیم. من شایگانی را می‌شناختم که مرید کرین بود و در جلساتی که کرین شرکت می‌کرد با تسلطی که به انگلیسی و به خصوص فرانسه داشت پرسش‌های بسیار جالب‌توجهی را از کرین می‌پرسید که شاید مهم‌تر و عمیق‌تر از صحبت‌های عادی بود که در آن جلسات مطرح می‌شد. بنده در سوربن فلسفه خوانده‌ بودم و ایشان در ژنو در دانشگاه معتبری تحصیل کرده بود. برای اولین بار کرین به من گفت که در منزل آقای ذوالمجد قرار است علامه طباطبایی تشریف بیاورند و با کرین مباحثاتی داشته باشند و من را هم به‌عنوان مترجم همراه خود برد. در آن جلسه و در حضور علامه، جوانی را دیدم به اسم شایگان که به من معرفی شد و بسیار مشتاق و علاقه‌مند بود. برای اولین بار بود که با او آشنا شدم و اگر من در آن جلسه احساس غریبگی می‌کردم، او انگار میهمان نبود و حالت صاحب‌خانگی داشت و با شخصیت و علاقه و اعتمادبه‌نفس خاص خودش در آن محفل حضور داشت. این جلسه یک جنبه‌های مثبتی برای من داشت و البته شاید جنبه‌های منفی هم برایم داشت اما روی هم‌رفته برایم جالب‌توجه بود و به‌خصوص نه فقط موضع علامه طباطبایی بلکه رفتار ایشان به مثابه یک شخص بسیار متین و با حوصله. [علامه] در جلسه حضور به هم می‌رساند و وظیفه خود می‌دانست که از موضع ایرانی اسلامی با یک خارجی که کرین باشد و مدعی است که در این فرهنگ تبحر دارد در حضور دیگران مواجه شود.

از آن روز به بعد در خانه شایگان جلساتی تشکیل می‌شد. افراد بسیار زیادی از استادان با سابقه از جمله پورداود و خیلی‌های دیگر در آن خانه رفت و آمد داشتند و بنده هم گاهی به صورت مترجم و گاهی هم خودم در این جلسات شرکت می‌کردم. در آن موقع استاد یار رسمی نبودم و به صورت آزاد برخی درس‌ها را داشتیم و به‌عنوان تمرین و حالت جادوگری که آموزش می‌دهد (البته فیلسوف جادوگر نیست اما به هر ترتیب مشغول بودم) کار می‌کردیم. بعد با شایگان بیشتر آشنا شدیم. در دوره‌ای او عضو گروه زبان‌شناسی دانشکده ادبیات شده بود و اصراً داشت که با گروه فلسفه هم همکاری کند. همکاری می‌کرد و گاهی هم همکاری نمی‌کرد. نمی‌خواهم بگویم تکرر و بود ولی حالت مدرسی و منضبطی را که ما داشتیم او نداشت. در همین

اخبار، یادداشت و گزارش‌هایی از اندیشه و آیین

برگزاری درس گفتارهای

«اسلام و آسیب‌های اجتماعی»

به همت دانشگاه شاهد سلسله درس گفتارهای «اسلام و آسیب‌های اجتماعی» با تدریس حجت‌الاسلام رضا غلامی، رئیس مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا برگزار می‌شود. این سلسله‌جلسات از نیمه اردیبهشت تا پایان شهر یور در ۱۲ جلسه بر پا خواهد شد. علاقه‌مندان می‌توانند حداکثر تا ۱۰ اردیبهشت با ارسال عدد پنج به شماره ۰۰۰۶۳۰۰ نسبت به ثبت نام اقدام کنند. برای دانش‌پژوهان گواهی شرکت در این دوره، صادر می‌شود.



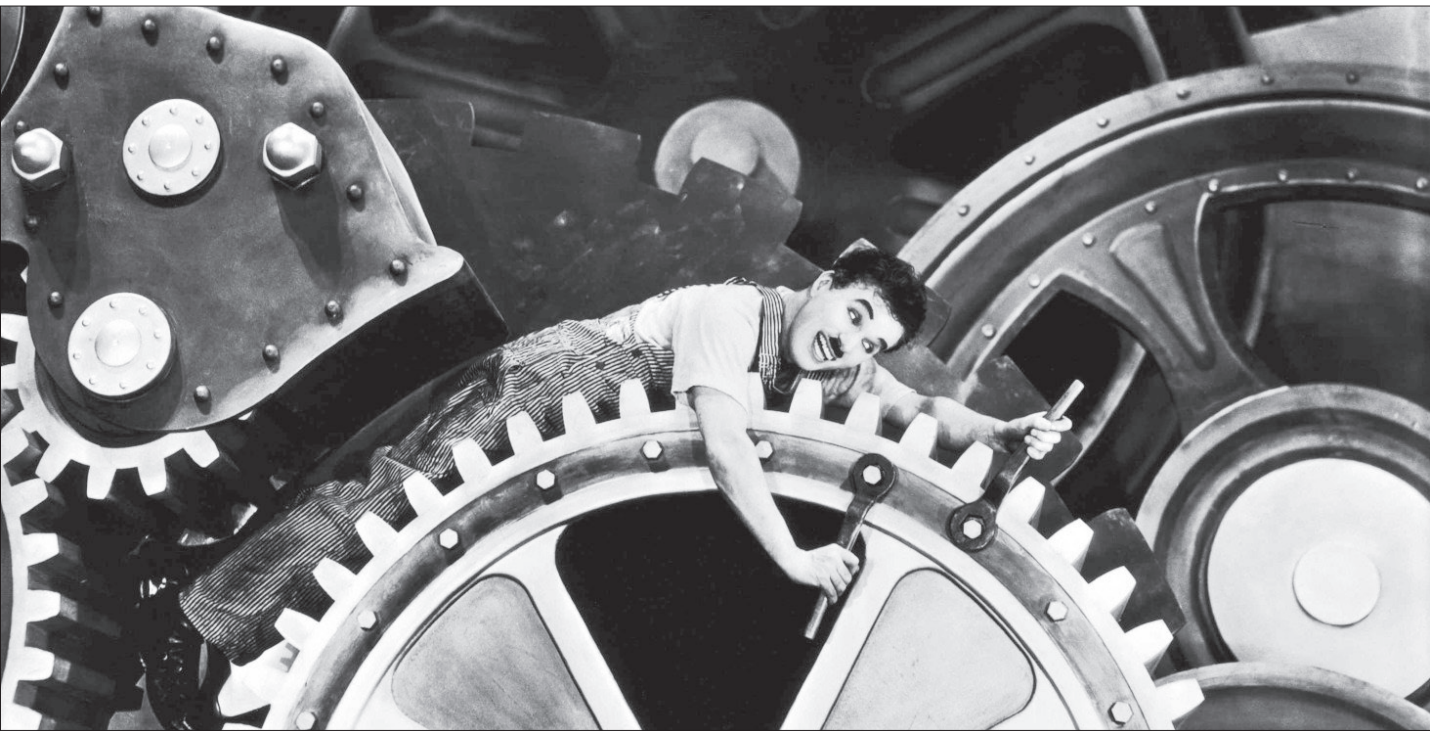
دیدار پروفیسور مولر

با آیت‌ا... جوادی‌آملی

پروفیسور مولر از دانشگاه مونستر آلمان با حضور در بنیاد بین‌المللی علوم و حیانی اسراء با آیت‌ا... عبدا... جوادی آملی دیدار و گفت‌وگو کرد. محور مباحث در این دیدار سه پرسش پروفیسور مولر در خصوص علت شهرت و مقبولیت برخی از فلاسفه غرب مانند هگل و کانت در میان اندیشمندان اسلامی، تحولات فلسفه اسلامی بعد از ملاصدرا و دیدگاه متفکران اسلامی در خصوص مفهوم همه خدایی بوده است.



تقدیر تکنولوژیک و سینما



چارلی چاپلین در نمایشی از فیلم «عصر مدرن»

سینما می‌رویم. تکنولوژیک بودن سینما به نظر بدیهی‌تر از آن می‌رسد که بخواهیم درباره اصل آن چون و چرا کنیم. اگر کسی با نظر هایدگر درباره تکنولوژی همراه باشد، طبعاً باید بداند تکنولوژیک بودن سینما، مقدم بر هر چیز دیگری در سینما، «وجود دارد» و این گریزناپذیر است. این سخن مجمل و غریب‌را کمی بیشتر توضیح می‌دهیم. سینما مانند هر پدیده تکنولوژیک دیگری، فقط تکنیک نیست. سینما می‌تواند برای مثال هنر باشد یا هنر داشته باشد و در این باره بسیار گفته شده است. برخی سینمای شاعرانه‌را در سینما جست‌وجو کرده‌اند. برخی در سینما، تفکر و برخی فلسفه را جست‌وجو می‌کنند. برخی آن را محلی برای بیان ایدئولوژی می‌دانند و چیزهای دیگر، همه اینها برای سینما،

تکنولوژی در نظر به ذات آن، دوگانه‌ای ایجاد می‌کند. وجهی از این نسبت دوگانه، آن جایی است که نگاهی که انسان به «طبیعت» یا به تعبیر هایدگر به «زمین» دارد به نگاهی «قاب‌بندی شده برای تصرف» مبدل می‌شود و وجه دیگر آنجاست که آنچه به او نگاه می‌کند، یعنی طبیعت و همه تجلیات آن، در چارچوب منبعی برای تعرض و تصرف معرفی می‌شود. از نظر هایدگر، این اتفاق، یک اتفاق تاریخی است و تصادفی نیست که ما امروز به انقیاد تکنولوژی درآمده‌ایم

صرفاً «محتمل» است وقتی که به «تکنولوژیک بودن» سینما توجه کنیم. تکنولوژی، اولین چیزی است که در سینما وجود دارد و بدون هر تاملی دیده و فهمیده می‌شود. بنابراین اگر در جست‌وجوی اساس سینما هستیم، پیش‌از هر چیز باید سینما را در نسبت با تکنولوژی بفهمیم. وجود داشتن تکنولوژی در سینما - چنانکه خود هایدگر در جایی به اشارت گفته و رفته است - نشانگر این است که سینما در درجه اول مربوط به نسبت تکنیکی و نظام تکنولوژیک جهان است. تکنولوژی در سینما وجود دارد، یعنی اینکه، همچنان که امر هنری از راه زمین می‌گذرد و با اساس زمین است که می‌تواند باشد، سینما نیز از راه تکنولوژی می‌گذرد و بدون تکنولوژی نمی‌تواند باشد. هر نوع بودن دیگری در سینما، بعد از بودن تکنولوژی

تصحیح خبر

به اطلاع می‌رساند در گفت‌وگویی که روز چهارشنبه در صفحه ۱۱ روزنامه «فرهیختگان» مورخ ۲/۵/۹۷ توسط گروه سیاسی با سرتیپ دوم خلبان «محمد کریم عابدی»، نماینده مردم فردوس، طبس و سراوان در مجلس هشتم و تنها بازمانده تیم بررسی واقعه شکست آمریکا در طبس- عملیات پنجه عقاب- منتشر شده بود، متأسفانه نام خانوادگی ایشان به اشتباه، «عابدی» درج شده بود که بدین وسیله از ایشان و مخاطبان عزیز پوزش می‌طلبیم.



گفت‌وگو، فرهیختگان،
با نماینده تیم بررسی واقعه شکست آمریکا در طبس
شکست پنجه عقاب

در سینما ممکن می‌شود. ممکن است در نگاه اول این سخن بسیار بدیهی به نظر برسد؛ اینکه سینما با تکنولوژی است لابد یعنی سینما با تکنولوژی تولید می‌شود و این امری است که همگان به آن اعتراف دارند و به لوازم آن ملتزم هستند؛ اما اهمیت و تمایز سخن گفته‌شده، زمانی روشن می‌شود که تکنولوژیک بودن سینما، از سویی در مقایسه با هنر، شعر، ایدئولوژی، فلسفه و... دیده شود و از سوی دیگر، دقت شود در نظر هایدگر، تکنولوژی، ابزار نیست که ما آن را ابزاری برای بیان فی‌المثل شعر یا فلسفه قلمداد کنیم. سینما، خود، بیان است. سینما از آن نظر که تکنولوژی است، خود نحوه‌ای شعر یا نحوه‌ای «پیش‌رواوردن حقیقت» است بنابراین اینکه همه به تکنولوژیک بودن سینما اذعان دارند دچار معضل اشتراک لفظ است. اگر قرار است یک فعالیت سینمایی، از عادی‌ترین و روزمره‌ترین شکل تا عالی‌ترین و غنی‌ترین صورت، توفیق یابد، آن توفیق جز به مدد ذات تکنیک و مناسبت با آن ذات محصل نمی‌شود. تکنولوژی سینمایی -که در این مجال چیزی درباره خود آن نگفته‌ایم- هرچه که باشد، باید با آن انس گرفت تا شاید بتواند جملایی برای سخن باشد. انس گرفتن با تکنولوژی سینمایی، به معنای تکنسین بودن سینما نیست. در کشورهای دارای سنت سینمایی قوی مانند آمریکا، فرانسه، ایتالیا، ژاپن، هند و... تکنسین‌ها در کنار کسانی کار می‌کنند که با سنت تکنولوژی سینمایی به معنایی که توضیح داده شده، انس دارند و به عبارت دیگر، می‌دانند سینما خودش چگونه سخن می‌گوید و چگونه سخن نمی‌گوید. آنها به شکل تجربی یا چه‌بسا گاهی نظری، می‌دانند که تکنولوژی سینمایی، چه چیزی را آشکار و چه چیزی را پنهان می‌کند. بنابراین رویارویی تکنولوژی و آنچه تکنولوژی باید عهده‌دار بیان آن باشد، در مجموع موفق‌تر هستند. در مقابل کشورهایی که بین تکنسین و کارگران یا بین تکنسین و خالق اثر سینمایی خلط می‌کنند، ممکن است میلیاردها برای آفرینش یک فیلم دینی صرف کنند و بهترین تکنسین‌های سینمایی جهان را هم استخدام کنند ولی چون نسبتی با تکنولوژی سینمایی ندارند، کارشان حتی از یک کار کم‌خرج و عادی هم ضعیف‌تر باشد، چراکه چنین کاری، راه به سوی انارشیزم می‌برد. برای ساخت یک پروژه بزرگ، حتی اگر انیمیشن باشد، نمی‌توان تکنولوژی را دور زد و با خرید بسته‌های تکنولوژیک مشابه پروژه‌های بزرگ آن سوی مرز، مثلاً انیمیشنی با هویت دینی بازنویلی کرد. برای ساخت اثر باید فهم سینمایی داشت و فهم سینمایی ممکن نمی‌شود مگر اینکه با سینما از راه تکنولوژی سینما، انس گرفت و نسبت برقرار کرد. در غیر این صورت چه بسا چیزی تولید شود که جز «چیز» نامی بر آن نتوان نهاد.

کانت‌شناسی در آلمان نبودند، هرگز نظریه انیشتین شکل نمی‌گرفت. به یک معنا کانت بیش‌تر از خود نیوتن در تحول علوم تاثیر داشته است. اینجاست که فلسفه شمشیر را از روبسته است و خود را نشان می‌دهد. در ایران برخی اوقات به ما می‌گویند که فلسفه یک ششت مفاهیم و حرف‌های تکراری است که معلوم نیست اول و آخر آن چیست. ما هم می‌گوییم: بله خب تفکر با عمل متفاوت است و این ممکن است متین باشد ولی نباید فراموش کنیم که اگر تفکر نباشد، دانشگاهی نیست و دانشگاه می‌شود بازی. دسته‌ای می‌آیند ثبت‌نام می‌کنند و بعد هم فارغ التحصیل می‌شوند و می‌روند! آنجایی دانشگاه زنده می‌شود که حرفی برای گفتن دارد و اگر حرفی هم برای گفتن ندارد، طرح سوال می‌کند. آنجا فیزیکدان می‌شود فیزیکدان و طبیب دیگر تاجر نیست، بلکه طبیب است و آنجاست که معانی پیدا می‌شود.

حالا اینجا اگر این‌طور نگاه کنیم، فلسفه مجموعه‌ای از کلمات و موضعگیری‌ها نیست. من نیاید بگویم من این‌طور فکر می‌کنم و موضع من این است و موضع تو چیز دیگری است! فلسفه فقط این نیست. فلسفه آموختن است. وقتی شما می‌آموزید شهادت دارید. نه اینکه وقتی که با یک تهور سبک، هر حرفی به دهان تان می‌آید را می‌زنید. این شجاعت نیست! کسی ممکن است به من پیرمرد پرخاش کند. خیال نکند این شجاعت است. این بی‌تربیتی و تهور است و تهور غیر از شجاعت است. ارسطو هم این را در کتابش توضیح داده است. شجاعت، شجاعت دانستن است نه شجاعت گفتن. «آموختن» شجاعت است. جایی که هیچ‌کس نمی‌خواهد اصل مساله را بیاموزد کسی شجاعت می‌کند و اراده می‌کند که بداند. این مهم است.

«آگاهی» برای فیلسوف آن دمی است که شایگان گفت. این شفع همان آگاهی است. حتی اگر مردم، منور الفکرها و حتی متفکران نمی‌خواهند مسائل واقعی را درست طرح کنند، شجاعت آن است که [فیلسوف] همان مسائل را درست طرح کند؛ حتی اگر نتواند جواب قطعی به آن بدهد. این احترامی است که ما نسبت به فلسفه داریم و باید آن را از هر فیلسوفی بیاموزیم حتی اگر نظام فکری و کلمات و آموزه‌های او مورد قبول ما نباشد. وقتی فیلسوف این را می‌آموزد و به نحوی که در کتاب نوشتن را رایبان می‌کند، این شکوفایی درونی فیلسوف مبدل به شکوفایی فرهنگ جامعه می‌شود. فیلسوف کسی نیست، او یک وسیله است اما موجب می‌شود آن فرهنگ شکوفا بشود و بتوان در آن فرهنگ تنفس کرد. یعنی در آن فضا خلاقیّت باشد، جست‌وجو باشد و بتوان وطن را ساخت. شایگان اگرچه بعضی اوقات نسبت به مسائل اداری سهل‌انگار بود ولی در تحقیق و شناختن و مطالعه کردن کسی نبود که باب روز صحبت و طوطی‌وار تکرار کند. جست‌وجو می‌کرد اگرچه به دنبال چیزی که من جست‌وجو می‌کردم، نبود اما پژوهشگر بود. آن چیزی که در اینجا [یعنی در فیلمی که از او نمایش داده شد و نیز در کتاب پنج اقلیم حضور] راجع به خیام گفت، البته خیلی هایش تازگی ندارد اما در جامعه ما هم زیاد خیام را این‌طور ندیدند و نشناختند.



کریم مجتهدی در مراسم بزرگداشت داریوش شایگان مطرح کرد

شجاعت، شجاعتِ دانستن است نه شجاعت گفتن

اگر با آن مخالف هستید باید به آن احترام بگذارید. من از همین نکته استفاده می‌کنم. بالاخره فلسفه مهم است و نمی‌توان سرسری حرفی زد. اینجا وقتی که با یک فیلسوف بزرگ (شرقی یا غربی یا ایرانی یا عرب و ترک) هم‌فکر بودیم. اصلاً در این جور دورت‌نوی نمی‌توانیم احترام می‌گذارید بدون اینکه با او موافق باشید. من عمری است که کانت خوانده‌ام اما با او موافق نیستم و فکر هم نمی‌کنم همه بتوانند با کانت موافق باشند چون فلسفه نظری کانت، نیوتنی است و وقتی اصول فیزیک نیوتنی زیرسوال می‌رود دیگر نمی‌توان فلسفه کانت را قبول کرد چون فلسفه کانت صدر در صد نیوتنی است و مقولات او از روش نیوتنی گرفته شده است. اما حالا که این‌طور است یعنی نباید دیگر کانت را خواند؟ خیر. اتفاقاً باید بیشتر کانت را خواند تا تاریخ علم اروپایی را بفهمیم. اگر در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم افرادی مانند پلانت و دیگران روی کانت کار نمی‌کردند و عضو باشگاه

فیلمی هم که نشان دادند دیده می‌شود که متفکری آزاد به تمام معنا بود و مقید به اصولی که ما مقید بودیم، نبود؛ اما در میان ما دوستی برقرار بود. صداقت میان ما بود. واقعاً صادقانه صحبت می‌کردیم. نمی‌خواهم بگویم هم‌فکر بودیم. اصلاً در این جور دورت‌نوی نمی‌توانیم نسبت که شما حتماً هم فکر باشید. اکثر شما فلسفه خوانده‌اید و اگر کارشناسی دارید حتماً این دو کتاب مشهور یکی «لوئیسس» افلاطون و یکی هم کتاب «نیکوماخوس» ارسطو را خوانده‌اید. در هر دوی این کتاب‌ها در مورد دوستی بحث شده است. در نیکوماخوس فصل مجزایی در مورد دوستی هست و این دوستی اساساً موضوعی فلسفی است و از آما عشق یا همکاری نیست. چیز خاصی است که سعی می‌کنم به نحوی آن را پیدا کنم. به عقیده من دوستی احترام به استقلال ذهنی دوست و نه توافق با اوست. اینکه شما به آزادی فکری او احترام بگذارید و اگر او عمیق و با صداقت فکر می‌کند، حتی